

مبحث چهارم: اشتراط امنیت در تطبیق حدود و قصاص:

گفتار اول: اشتراط امنیت در تطبیق حد جلد یا دره:

اگر بر کسی حد جلد یا دره تطبیق می‌شود، شرط است که با تطبیق این حد که در حقیقت عملی کردن آن در جامعه اسلامی با ارزش است، امنیت کسانی که این حکم را عملی می‌کنند تأمین باشد و تطبیق حد جلد منجر به نبود امنیت جان تطبیق کننده و کسی که حکم بر او تطبیق می‌شود، نشود. مثلاً چنین نشود که اگر حد بر کسی تطبیق گردد با این کار قوم شخصی که حد بر او تطبیق گردیده دست به اقداماتی بزند که امنیت محیط و منطقه و امنیت شخصی را که تطبیق حد را خواسته یا اشخاصی که شهادت داده اند یا امنیت قاضی را به خطر مواجه نمایند و ممکن با این کار جان این افراد به خطر مواجه گردد.

گفتار دوم: اشتراط امنیت در تطبیق قصاص

تطبیق حکم قصاص یک ارزش و وسیله ای است برای جلوگیری از جرایم و جنایت و با تطبیق آن حق به حق دار رسیده و در جامعه امنیت و رفاه آرامش برقرار می‌گردد، مگر تطبیق این حکم زمانی صورت می‌گیرد که به تطبیق آن مشکل جدی امنیتی به مردم و ورثه مقتول متوجه نشود، یعنی چنین نشود که با تطبیق حکم قصاص ورثه قاتلی که قصاص شد دست به هرج و مرج و کشتن و اذیت کردن ورثه مقتول بزنند و مشکلات امنیتی را به بار آورند.

الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم فرموده است که: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤأَيُّهَاۤ اَلۡبَٰتِؕ﴾ البقرة: ۱۷۹

ترجمه: برای شما در قصاص زندگی است ای صاحبان عقل و لب.

این ارزش زمانی امکان پذیر است که در تطبیق آن مشکل امنیتی به کسی به گونه ای به وجود نیاید که جان و عرض و آبروی شان در خطر باشد. پس در یک جامعه زمانی حق به حق دار می‌رسد و انسان می‌تواند که حق خود را مطالبه نماید که با گرفتن حق خود جاننش به خطر واقع نگردد.

به همین گونه در عرصه قصاص در مادون نفس نیز امنیت شخصی که قصاص بر او تطبیق می‌گردد، شرط می‌باشد. مثلاً یک کسی دستش به خاطر اینکه دست کسی دیگری را قطع نموده است، قطع می‌گردد، درین عرصه در صورتی دست جانی به عنوان قصاص قطع گردد، که با قطع دست جان شخصی که قصاص را مطالبه کرده در خطر واقع نگردد و هم این قطع دست جان شخصی را که قصاص بر او تطبیق می‌گردد، به خطر جدی تر از قطع دست مواجه نسازد.

زیرا الله سبحانه و تعالی در زمینه فرموده است: ﴿وَكُنۡنَا عَلَیۡهِمْ فِیۡهَا اَنَّ النَّفۡسَ بِالنَّفۡسِ وَالۡعَیۡنَ بِالۡعَیۡنِ وَالۡاَۤنۡفَ بِالۡاَۤنۡفِ وَالۡاُذُنَ بِالۡاُذُنِ وَالۡسِّنَّ بِالۡسِّنِّ وَالۡجُرۡحَ قِصَاصٌ﴾ المائدة: ۴۵

ترجمه: و ما لازم کردیم در تورات برای شان که نفس در مقابل نفس، چشم در مقابل چشم، بینی در مقابل بینی، گوش در مقابل گوش، دندان در مقابل دندان و جراحت ها قصاص دارند.

یعنی به شرطی قصاص در مادون نفس گرفته می‌شود که با این قصاص استیفاء به وجود آمده و امنیت جان شخصی که حکم قصاص بر او تطبیق می‌گردد، تأمین باشد و جان او با این کار به خطر مواجه نگردد و تطبیق حکم منجر به هلاکتش یا منجر به کدام ضرر دیگری نشود.^(۱)

مبحث پنجم: امنیت و ارزش های امور مالی و اقتصادی

گفتار اول: امنیت در عقد شرکت و مضاربت

عقد شرکت و مضاربت از جمله عقود است که در بالا بردن سطح اقتصادی و مالی یک کشور و امت نقش اساسی دارد و با تقویه بنیه های اقتصادی می‌توانیم که به رشد دیگر ارزش های اسلامی نیز بپردازیم و از آدرس اقتصاد می‌توانیم ارزش های اسلامی را قوی و رشد دهیم، مگر این خواسته زمانی بر آورده شده می‌تواند که عقود مشارکه و مضاربه امکان پذیر باشد و امکان پذیر زمانی شده می‌تواند که تاجر و مضارب در عرصه پیشبرد امور تجارتي خود دارای امنیت کامل بوده و به جان و مال او کدام خطری متوجه نباشد.

فقهاء می‌گویند که برای مضارب و تاجر جواز ندارد که سفر تجارتي خود را به جایی تنظیم نماید که در آن محل و راه آن از امنیت خوب برخوردار نباشد و خطری به جان مضارب و مال رب المال متوجه باشد.

همچنان مشارکین زمانی می‌توانند که به کار و عمل تجارتي خود ادامه دهند که جان و مال شان در امن باشد، اگر یک شریک بدون اذن شریک دیگر به جایی سفر می‌نماید که خطری به جان و مال شان در آن سفر وجود داشته باشد، این چنین سفر اصلاً جواز ندارد، مگر در صورتی که تمام مشارکین اجازه دهند و هم جان و مال شان در امن باشد. پس واضح است که رشد اقتصاد و

تقویه ارزش های اسلامی و دینی از آدرس و کار و معاملات تجارتي زمانی ممکن است که کار و فعالیت های اقتصادی در فضای امن و امنیت به پیش رود و مشکلات امنیتی وجود نداشته باشد.^(۲)

گفتار دوم: امنیت و ودیعت:

در نزد علمای احناف و همچنان در روایتی در مذهب حنابله سفر کردن به مال و دیعت به جایی که در آن جا امنیت تأمین نباشد یا در راه خوف تلف مال وجود داشته باشد، جواز ندارد. اگر ضرورت نباشد سفر کردن با مال و دیعت جواز ندارد و اگر سفر می کند و راه از امنیت بر خور دار نباشد، و در نتیجه مال از بین می رود، در این صورت شخصی که مال در نزدش به ودیعت گذاشته شده است ضامن است و باید جبران خساره دهد، چون در حالتی با مال سفر نموده که راه از امنیت بر خور دار نبوده است.^(۳)

ودیعت که در اصل به خاطر تعاون و مساعدت با یکدیگر است و در حقیقت یک ارزش اجتماعی و مالی به شمار می رود، زمانی عملی ساختن آن امکان پذیر است که مردم و جایی که در آن مال به ودیعت گذاشته می شود، از امنیت کامل بر خور دار باشند و در غیر آن نمی توان که از این تعامل انسانی و تعاون بشری استفاده نمود.

گفتار سوم: امنیت و انفاق فی سبیل الله

انفاق در راه الله و مصرف بالای فقراء و محتاجین یک امر مستحسن و نیکو است و باید که مردم مالدار و غنی بالای مردم فقیر و نادار مصرف و انفاق نمایند و از حال فقراء باید با خبر و مشکلات اقتصادی آنها را حل نمایند و گاهی چنین می شود که اغنیاء در یک شهر و فقراء در شهر دیگری قرار داشته می باشند، پس بر اغنیاء لازم است تا در شهری که فقراء در آن قرار دارند مال ارسال نمایند و به مشکلات شان در همان شهر رسیدگی صورت گیرد.

این خواست زمانی خوب بر آورده می شود که در انتقال مال کدام مشکل امنیتی وجود نداشته باشد و مال و جان کسانی که مال را انتقال می کنند، به صورت کامل در امن باشد. اگر جان و مال در زمان انتقال اموال به شهر فقراء در امن نباشد متأسفانه درست به مشکلات اقتصادی فقراء رسیدگی شده نمی تواند و ممکن در نبود امنیت حتی مردم از گرسنگی و مشکلات اقتصادی دچار مشکلات خیلی جدی دیگری گردند. پس واضح شد که امنیت در عرصه رسیدگی به مشکلات اقتصادی فقراء نقش خود را دارد و بدون آن نمی توان که درست در راه الله انفاق نمود.

همچنان اگر کسی در راه الله انفاق می کند و به ساخت شفاخانه ها، پل، سرک، مدرسه، مسجد و غیره می پردازد، این همه و همه در صورتی امکان پذیر است که در محیط و جامعه ای که این انفاق صورت می گیرد، امنیت کامل حاکم باشد.

مبحث ششم: نتیجه بحث

یک: امنیت یا امن در لغت ضد خوف و نقیض آن و عدم توقع مکروه یا بدی را در آینده گویند.
دو: امنیت در اصطلاح عبارت از: طمأنینة النفس بزوال الخوف وعدم توقع المكروه فی الزمن الآتی. یعنی: اطمینان نفس به زوال خوف و عدم توقع مکروه در آینده است.

سه: در اسلام نیز امنیت از اهمیت خاصی بر خور دار بوده و نبی اکرم محمد مصطفی ﷺ در روایتی به اهمیت و ارزش امنیت پرداخته و فرموده است: «من أصبح آمناً فی سربه، معافاً فی جسده، عنده طعام یومه، فكأنما حیزت له الدنيا».

ترجمه: کسی که در نفس یا منزل خود با امن صبح نماید، صحت و با عافیت باشد، در نزد او طعام یک روزش موجود باشد، گویا که تمام دنیا را احاطه نموده است.

چهار: امنیت برای مردم، جامعه، دولت و خانواده ها از جمله مهمترین عناصری است که حیات و زندگی به آن قوام پیدا می کند، زیرا با داشتن امنیت مردم نسبت به دین، نفس، مال و اعراض و عزت خود مطمئن می باشند و در موجودیت امنیت به طرف ترقی، پیشرفت، سعادت و بلند بردن شأن شان متوجه می شوند که این همه در نبود امنیت ممکن نیست.

پنج: امنیت و طهارت باهم ربط دارد و با وجود امنیت می توانیم به درست به طهارت که همانا کلید نماز است پرداخته.

شش: امنیت و نماز باهم ربط دارند در صورتی که امنیت وجود نداشته باشد، نمی توانیم درست نماز بخوانیم و به ارزش های عبادتی خود بپردازیم.

هفت: مسلمانان زمانی از ارزش ادای حج برخوردار شده می توانند و به حج رفته می توانند که از نعمت امنیت برخوردار باشند، در صورتی که امنیت وجود نداشته باشد گرچه با عدم رفتن به حج مسلمان گناه کار نمی شود، مگر ارزش و فوایدی که از آدرس حج به یک انسان می رسد، آن ارزش و منفعت از دست می رود.

هشت: امر به معروف و نهی از منکر از جمله ارزش های مهم و اساسی در اسلام است و این ارزش و مرتبه زمانی به یک گروه و جماعتی از مسلمانان دست می دهد که به اقامه آن جان، مال، عزت و عرض یک مسلمان در امن باشد و از اثر این عمل به هلاکت مواجه نشود.

نه: حفاظت جان، مال و عرض از جمله مقاصد شریعت اسلامی است، در صورتی که به انجام یک عبادت، خوف تلف جان، مال و عرض انسان باشد، با تأسف آن عبادت از انسان ساقط می گردد. در قضیه زکات هم در صورتی که در محیط و منطقه خود فقیری

برای اخذ زکات پیدا نشود، زکات باید به منطقه دیگری انتقال یابد و در نتیجه ذمه خود را فارغ و این ارزش را که همانا ادای زکات و کمک با فقراء است به دست آورد.

مگر این ثواب و ارزش زمانی به دست می آید که در انتقال پول زکات جان، مال و عزت شخص در امن باشد و هم راه از امنیت مناسب برخوردار باشد، اگر امنیت وجود نداشته باشد ما نمی توانیم که به ترویج فرهنگ زکات بپردازیم و به داد فقراء برسیم و در نتیجه در نبود امنیت نه تنها که ارزش ادای زکات را به دست آورده نمی توانیم، بلکه به قضیه اطعام مسکین هم پرداخته نشده و در میدان مقابله با فقر زدایی هم عاجز و ناتوان خواهیم بود.

ده: مساجد به طور مادی و معنوی زمانی اعمار شده می تواند که در محیط و منطقه که مسجد قرار دارد، امنیت وجود داشته باشد. **یازده:** شکی نیست آنچه که در اسلام حرام است، باید از آن اجتناب صورت گیرد، و با اجتناب از محرّمات سعادت دینی و دنیوی نصیب انسان ها می شود و اگر کسی دست به محرّمات می زند، حتماً ضرری به او ملحق می شود و در مجموع گفته می توانیم که اجتناب از محرّمات یک ارزش است که باید به دست آید و واقع شدن در محرّمات گناهی است که ضرر آن دامنگیر فرد، جامعه و خانواده ها می گردد. **وجیزه:** این ارزش یعنی اجتناب از محرّمات زمانی در خور حصول است که انسان از امنیت کامل برخوردار باشد و گاهی هم می شود که نبود امنیت انسان را وادار به ارتکاب محرّمات نماید و با داشتن امنیت می توانیم که به وجه احسن از محرّمات دوری بجوییم.

دوازده: مسلمان زمانی از تلفظ به کلمات کفری و دیگر نابسامانی ها در امن می باشد که از امنیت کامل برخوردار باشد و زمانی به ارزش های اخلاقی و عقیدوی پایبند شده می تواند که در این پابندی به کدام مشکل جدی امنیتی مواجه نگردد. **سیزده:** نوشیدن خمر حرام است و اجتناب از آن یک ارزش اسلامی، انسانی و اخلاق است، مگر گاهی شده می تواند که انسان در نبود امنیت این ارزش را از دست دهد و به خاطر حفاظت جان خود دست به نوشیدن خمر بزند. پس واضح است که حفظ ارزش اجتناب از نوشیدن خمر نیز با امنیت ارتباط دارد.

کشتن انسان ولو اگر مستحق قتل هم باشد، بدون حکم و فیصله قضاء برای هیچ کس جواز ندارد، مگرگاهی چنین شده می تواند که به خاطر نجات و دفاع از خود، دست به کشتن کسی بزنی که اقدام به کشتن تو می کند یا ترا به هلاکت واقع می سازد. **چهارده:** اگر بر کسی حد جلد یا دره تطبیق میشود، شرط است که با تطبیق این حد که در حقیقت عملی کردن آن در جامعه اسلامی ارزش است، امنیت کسانی که این حکم را عملی می کنند تأمین باشد و تطبیق حد جلد منجر به نبود امنیت جان تطبیق کننده و کسی که حکم بر او تطبیق می شود، نشود.

پانزده: تطبیق حکم قصاص یک ارزش و وسیله ای است برای جلوگیری از جرایم و جنایت و با تطبیق آن حق به حق دار رسیده و در جامعه امنیت و رفاه آرامش برقرار می گردد، مگر تطبیق این حکم زمانی صورت می گیرد که به تطبیق آن مشکل جدی امنیتی به مردم و ورثه مقتول متوجه نشود.

شانزده: عقد شرکت و مضاربت از جمله عقود است که در بالا بردن سطح اقتصادی و مالی یک کشور و امت نقش اساسی دارد و با تقویه بنیه های اقتصادی می توانیم که به رشد دیگر ارزش های اسلامی نیز بپردازیم و از آدرس اقتصاد می توانیم ارزش های اسلامی را قوی و رشد دهیم، مگر این خواسته زمانی بر آورده شده می تواند که عقود مشارکه و مضاربه امکان پذیر باشد و امکان پذیر زمانی شده می تواند که تاجر و مضارب در عرصه پیشبرد امور تجارتي خود دارای امنیت کامل بوده و به جان و مال او کدام خطری متوجه نباشد.

هفده: انفاق در راه الله و مصرف بالای فقراء و محتاجین یک امر مستحسن و نیکو است و باید که مردم مالدار و غنی بالای مردم فقیر و نادار مصرف و انفاق نمایند و از حال فقراء باید با خبر و مشکلات اقتصادی آنها را حل نمایند و گاهی چنین می شود که اغنیاء در یک شهر و فقراء در شهر دیگری قرار داشته می باشند، پس بر اغنیاء لازم است تا در شهری که فقراء در آن قرار دارند مال ارسال نمایند و به مشکلات شان در همان شهر رسیدگی صورت گیرد.

این خواست زمانی خوب بر آورده می شود که در انتقال مال کدام مشکل امنیتی وجود نداشته باشد و مال و جان کسانی که مال را انتقال می کنند، به صورت کامل در امن باشد. اگر جان و مال در زمان انتقال اموال به شهر فقراء در امن نباشد متأسفانه درست به مشکلات اقتصادی فقراء رسیدگی شده نمی تواند و ممکن در نبود امنیت حتی مردم از گرسنگی و مشکلات اقتصادی دچار مشکلات خیلی جدی دیگری گردند. پس واضح شد که امنیت در عرصه رسیدگی به مشکلات اقتصادی فقراء نقش خود را دارد و بدون آن نمی توان که درست در راه الله انفاق نمود.

و صلی الله علیه وسلم و تسلیما
مآخذ:

۱) وزارة الأوقاف دولة الكويت، الموسوعة الفقهية، ج ۶ ص ۲۷۴، ناشر: وزارة الأوقاف، طبع چهارم سال ۱۹۹۳م.

۲) البدائع والصنائع، ج ۶ ص ۷۱، شامی، رد المحتار، ج ۳ ص ۳۵۵. تکمله فتح القدير ج ۷ ص ۲۲. مغنی المحتاج ج ۲ ص ۲۱۵.

۳) البدائع والصنائع، ج ۶ ص ۷۱. شرح منتهی الإیرات ج ۲ ص ۴۵۳.